

نظری بحریم

پاك امامع

اقدام تاریخی محمود و ارزنده‌ای که اخیراً در مورد توسعه حرم مقدس رضوی ع انجام گرفته و این حائر نورانی پس از دوازده قرن بهمتی والا و خدمتی مخلصانه گسترش جالب یافته است ما را بران داشت که برای آگهی زائرین و مشتاقان و شیفتگان این عتبه عالییه مقاله‌ای مفصل و ممتع شامل وضع تاریخی این بنای عالی و جنبه‌فنی توسعه‌اخیر آن

تهیه و درج نمائیم.
قسمت تاریخی مقاله را آقای عبدالحمید مولوی و بخش فنی آنرا آقای مهندس محمد علی شهرستانی که خود مبتکر و مباشر این اقدام شگرف ساختمانی بوده نوشته‌اند که ذیلاً از نظر خوانندگان محترم میگذرد.

نامه آستان قدس

تاریخ بنای حرم مطهر

بدرفتاری و ستمکاری خلفاء و عمال بنی‌امیه موجب گردید که عده بسیار زیادی از مردم بلاد اسلامی بر حکومت جابره بنی‌امیه طغیان ورزند و بدعات آل عباس بگروند و سرآمد آنان ابومسلم مروزی خراسانی بود که بیشتر بلاد تحت سلطه بنی‌امیه را تدریجاً از تصرف آنها بیرون آورد و قریباً شهرهای بصره و کوفه و سایر بلاد عراق و سوریه و مصر بتصرف طرفداران بنی‌امیه درمی‌آمد.

در چنین وضعی که روز بروز قدرت و سلطه کسان بنی‌عباس در فزونی بود و سلطنت بنی‌امیه رو بزوال میرفت ابو سلمه جعفر بن سلیمان حلال که بعداً بوزیر آل محمد معروف شد در سردابه منزل خود واقع در کوفه عده‌ای از بنی‌عباس و حواشی آنها را مخفی کرده بود

تا از شر عمال بنی‌امیه گزندگی بآنها نرسد و ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور دوانیقی و عیسی بن موسی جزو افراد متوقف در سردابه‌مزبور بودند .

قحطبه طائی که ابومسلم مروزی او را امیرالجیوش لقب داده بود (۱) یکی از سرداران بنام آل عباس بود و در جنگی که قحطبه با یزیدبن عمر بن نبیره و لشکر شام در نزدیکی کوفه میکرد با اینکه لشکر قحطبه شامیان را مهزم ساختند، خود قحطبه در رود فرات غرق شد .

پسران قحطبه که نام یکی از آنها حمید است با لشکری که همراه آنها بود شهر کوفه را بتصرف درآوردند و حمیدبن قحطبه بوسیله غلامی بمحل اختفای بنی‌عباس راهنمائی شد و حمید داخل سردابه موصوف گردید برادر ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور بنام ابراهیم امام خوانده میشد و او فرزند محمدبن علی بن عبدالله بن عباس عموی مکرم حضرت پیامبر اکرم ص است و ابراهیم بداعیه خلافت بر بنی‌امیه خروج کرد و اعیان خود را باطراف بلاد اسلامی فرستاد و مردم را بر ضد بنی‌امیه تشویق میکرد و پیش از آنکه بمقصد برسد عمال بنی‌امیه بحیله و تزویر او را دستگیر ساختند و بفرمان مروان بن محمد آخرین خلیفه بنی‌امیه سر ابراهیم را در انبانی قرار دادند تا خفه شد و جسد او را تا مدت‌ها بدار آویختند، ابراهیم امام گفته بود که اگر قبل از رسیدن بخلافت کشته بشود جانشین او ابن الحارثه است و رمزی هم برای این کار قرار داده بود لذا موقعی که حمیدبن قحطبه وارد سردابه گردید پرسید ابن الحارثه کیست تا با او بیعت بکنم ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور هر دو از يك مادر و نام مادرشان حارثه بود باین نتیجه هر دو پیش حمید جواب مثبت دادند حمید دوباره پرسید رمز و علامت بین امام و جانشین او چیست چون ابوجعفر منصور از رمز مطلع نبود ساکت شد ولیکن ابوالعباس سفاح برادر کوچکتر او در جواب حمید این آیه شریفه را قرائت کرد :

« و نرید ان نمن علی الدین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین »

حمید با شنیدن رمز که با واقع منطبق بود فوراً با ابوالعباس که از آن موقع اولین خلیفه عباسی گردید بیعت کرد و با شمشیر برهنه بحاضرین در سردابه از بنی‌عباس و دیگران تکلیف کرد تا همه با سفاح بخلافت بیعت نمایند سپس حمید باتفاق بقیه طرفداران سفاح را بمسجد برد و بر منبر نشانند تا خطبه خلافت را انشاء کند اتفاقاً سفاح در آن موقع ضعیفی داشت و نتوانست صحبت بدارد و

خطبه براند، داود بن علی عموی سفاح بوکالت خلیفه خطبه خلافت را بسمع حاضرین رسانید (۱) و تدریجا اعیان آل عباس تمام بلاد اسلامی را باختیار خود در آورده و باین ترتیب خلافت بنی عباس پایه گذاری شد و چندین قرن با تحولات گوناگون دوام یافت تا در سال ۵۶۵ (عدد آن برابر عدد جمع کلمه خون است خلافت بنی عباس بدست هلاکوخان مغول منقرض شد و ابتدای امر عباسیان سال ۱۳۳ هـ. ق بوده است.)

ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی چهار سال خلافت کرد و در سی و سه سالگی در شهر انبار درگذشت.

جانشین او ابو جعفر منصور معروف به دوانیقی است و منصور بیست و دو سال خلافت کرد و در سال ۱۵۸ قمری در سن ۶۳ سالگی در بین راه مکه فوت کرد (۲)

بعد از منصور پسر او مهدی بن منصور بخلافت رسید و یازده سال بامر حکومت قیام کرد و در سال ۱۶۹ قمری در سن ۴۳ سالگی بسرای دیگر شتافت.

خلیفه چهارم بنی عباس برادر هارون الرشید موسی بن مهدی معروف بهادی است که مدت خلافت او ۱۵ ماه بود و در سن ۲۶ سالگی زندگی را وداع کرد.

پنجمین خلیفه آل عباس هارون الرشید است که در ۲۲ سالگی جانشین برادر شد و اتفاقا در شبی که هادی درگذشت و در همان شب بزرگان قوم با هارون بخلافت بیعت کردند و عبدالله مامون از مادر متولد گردید مدت خلافت هارون بیست و سه سال و چند ماه بود در حدود ۴۷ سال عمر کرد و در اواخر خلافت او رافع بن نصر بن سیار در ترکستان طغیان ورزید، و محمد بن سلیمان والی سمرقند را کشت و سمرقند را بتصرف خود در آورد و عیسی بن علی بن عیسی که بامر هارون برای سرکوبی رافع بن نصر بترکستان رفته نیز کشته شد و قضیه طغیان رافع مهم جلوه کرد و بهارون توصیه کردند که برای رفع غائله رافع باید شخصا سفر کند.

لذا هارون الرشید هرثمه بن اعین را بامارت خراسان فرستاد تا برای غائله رافع پیش جنگ هارون باشد و خود هارون از عقب هرثمه روانه خراسان شد و در بین راه بیماری

۱ - صفحات ۴۱۶ تا ۴۱۸ فرج بعد الشدة چاپ علمی سال ۲۷۶ قمری و صفحات ۲۷۵ تا ۳۸۳ جلد سوم تاریخ روضة الصفا چاپ خیام.

۲ - صفحه ۴۱۱ جلد سوم روضة الصفا چاپ خیام

عارض او شد و رفته رفته مرض هارون شدت یافت تا عاقبت در سال ۱۹۳ قمری هجری در طوس درگذشت و در خانه حمید بن قحطبه والی طوس مدفون گردید.

اکنون برای توجه بیشتر خوانندگان عظام مختصری از موقعیت سناباد آن زمان را توضیح میدهد:

دشت واقع در بین دو کوه هزار مسجدو کوه نیشابور که طول آن شرقی و غربی است و شهر مشهد رضوی در این دشت واقع گردیده قبل از اسلام بطوس معروف بوده است و در این دشت دو شهر بزرگ بنام تابران و نوغان و دوشهر کُ بنام رادکان و تروغوز وجود داشته است. تابران همان است که امروز خرابه‌های آن در چهارفرسنگی شمال غربی مشهد وقوع دارد و بشهر طوس معروف شده و مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی را در وسط خرابه‌های شهر بنا کرده اند.

نوغان اکنون یکی از محلات شهر مشهد شده و چون در خارج دروازه نوغان محلات جدیدی احداث شده آبادی نوغان قبل از اسلام اکنون در وسط شهر مشهد واقع گردیده. رادکان قصبه مرکز بلوک رادکان و مولدخواجه نظام‌الملک و عده دیگر از بزرگان است و در چهارفرسنگی غربی وقوع دارد و رادکان دارای چمن و انگلی است که سابقا اسبان سلطنتی در چمن مزبور نگهداری میشده و بالنتیجه در یورشها و جنگهایی که در خراسان افتاد عده زیادی از سلاطین رادکان را دیده و مدتی در آنجا بشکار و استراحت پرداخته اند. تروغوز را با تغییر لهجه امروزه ترغبه مینامند و بیلاقی است در سه فرسنگی جنوب غربی مشهد.

در یک میلی جنوبی شهر نوغان سابق قریه ای بنام سناباد واقع بوده و ابو عبدالله یاقوت حموی در صفحه ۱۴۰ جلد پنجم معجم البلدان راجع بقریه سناباد چنین مینویسد:

«سناباد بالفتح قریه بطوس فیها قبر الامام علی بن موسی الرضا و قبر امیرالمومنین هرون الرشید بینها و بین مدینه طوس نحو میل (۱)»

هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحب تجارب السلف در این مورد چنین مینویسد:

بعد از برامکه رافع بن نصر بن سیار عاصی شد، بود و سمرقند را گرفته رشید از برای محاربه با او بخراسان رفت و چون بطوس رسید وفات یافت و همانجا دفن گردید، در سنه ثلاث

۱ - منظور یاقوت از مدینه طوس شهر نوغان یکی از چهار شهر جلگه طوس بوده است.

و تسعین و مائه ۱۹۳ و چون علی بن موسی الرضاهم بطوس وفات یافت در پهلوی رشید مدفون شد.

خوانندگان عظام بیاد دارند که حمید بن قحطبه طائی یکی از سرداران آل عباس و برای استحکام امر بنی عباس زحمات بسیار کشیده و جنگها کرده و در واقع غالب عمر او در لشکرکشیها و رفع طغیانها سپری شده بود در هنگام پیری او را بحکومت طوس فرستاده بودند و حمید بن قحطبه در قریه سناباد طوس باغ و عمارت و خانه ای خریده بود و چون هارون الرشید در طوس فوت کرد با سابق پیر غلامی که بین آل عباس و حمید بن قحطبه بود جسد هارون را در سرای حمید بن قحطبه دفن کردند.

صاحب کتاب مطلع الشمس در صفحه ۹۴ جلد دوم کتاب خود راجع بسناباد چنین اظهار نظر میکند:

«سناباد بلده کوچکی بوده و حمید بن قحطبه که از جانب هارون الرشید حکومت این ولایت مینمود در سناباد عمارت و باغی داشته و چون هارون در طوس در گذشت در خانه حمید بن قحطبه مدفون گردید و قبه ای باراده عبدالله مامون بر فراز تربت او ساخته شد و به بقعه هارونیه اشتهار یافت چون حضرت امام علی بن موسی صلوات الله علیه در طوس رحلت فرمودند در بقعه هارونیه مدفون گردیدند و اینکه در افواه عامه شهرت دارد که قبه اولیه را اسکندر ذوالقرنین افراخته یا چهار دیواری در این محل ساخته مستند صحیح ندارد».

باعنایت بفروضات قبل بطور خلاصه مینویسد که هارون در طوس فوت کرد و او را در سرای حمید بن قحطبه طائی در سال ۱۹۳ هجری دفن نمودند و یا بامر مامون قبه ای برای پدر او بنا شد.

بعد از مردن هارون فرزند او محمد امین بخلافت رسید و عبدالله مامون در این حال حسب وصیت پدرش ولی عهد بود و در مرو سکونت داشت و چون محمد امین عبدالله مامون را از ولایت عهد منخلع ساخت مامون بر برادرشورید و لشکری از مرو روانه بغداد کرد و طاهر بن حسین که فرمانده لشکر مامون بود محمد امین را کشت و بغداد را بتصرف در آورد. نکته ای که باید توجه داشت اینست که بعضی از علویین در زمان خلافت هارون و مامون در

شهرهای مختلف مردم را بخود دعوت میکردند مامون نظر بمصالح سیاسی و برای اسکات علویین حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را که در مدینه منوره ساکن بودند بر خلاف میل آن حضرت بمر و طلبید و با اصرار هر چه تمامتر ولایت عهد خود را بآن حضرت ظاهرا

واگذار کرد و جشن‌ها گرفت و سکه بنام حضرت ضرب نمود و این تظاهر برای آرامش علویین در شهرهای مختلف اسلامی بود و چون محمد امین بدست لشکر طاهربن حسین کشته شد و مامون در مرو بود ولایت عهد را مامون بخضرت رضا علیه‌السلام داده بود مردم بابراهیم بن المهدی عموی مامون بیعت کردند بنابراین مامون عازم بغداد شد تا غائله عموی خود را برطرف سازد و در این سفر حضرت امام رضا علیه‌السلام را با خود به طرف بغداد حرکت داد چون مامون از مرو حرکت کرد در شهر سرخس سهل بن فضل وزیر را کشت و موقعی که بطوس رسید حضرت امام همام علیه‌السلام را مسموم کرد و جنازه آن حضرت را با پای برهنه تشییع نمود و بدن مبارک امام را در بالاسر قبر پدرش در بقعه‌ای که پدرش مدفون بود در خانه حمید بن قحطبه مدفون ساخت و این واقعه در سال ۲۰۲ یا ۲۰۳ قمری باختلاف روایات است و لذا ازین تاریخ قریه سناباد که بشریف مضجع منور و مرقد مطهر امام شرافت حاصل کرده بود رفته رفته بمشهد مشهور شد و تدریجاً ضمن قرون متمادی در اطراف مزار متبرک حضرت رضا شهر بزرگی بوجود آمده و با اینکه این شهر بواسطه جنگها و شیوع امراض و با غیره مکرر صدمه‌ها دیده و از جمعیت آن کاسته شده اکنون در حدود ۳۰۰ هزار نفر سکنه دارد.

دعبل بن علی الخزاعی شاعر معروف در مورد دفن بدن مبارک حضرت در جنب مدفن هارون در همان زمان چنین گفته است.

قبران فی طوس خیر الناس کلهم و قبر شریحهم هذا من العبر
 ما ینفع الرجس من قرب الزکی وما علی الزکی بقرب الرجس من ضرر

اما قریه سناباد در حال حاضر وجود ندارد و تمام اراضی سناباد را سکنه مشهد در طی قرون متمادی بهزاران منزل و کوچه و مدرسه و مسجد اختصاص داده اند و اکنون زمینی و محله و جائی مطلقاً بنام سناباد در مشهد رضوی شناخته و نامیده نمیشود و فقط قناتی بنام سناباد در اراضی سعدآباد باقی مانده که مشکافته آن خارج دروازه سراب مشهد است و آب ندارد و موقوفه آستان قدس رضوی و بسیار کم آب شده که اگر قناتی کامل در این قنات نشود بیم آن میرود که قنات سناباد بخشکد و در قرون بعد حتی کسی محل عبور رشته قنات سناباد را هم نتواند بدست آورد.

قبه و حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام در نخستین بار بامر عبدالله مامون ساخته شده و این بار سبکتکین پدر سلطان محمود غزنوی بتعصب دینی خراب کرد و بعد از مدتی بامر

سلطان محمود غزنوی و مباشرت سوری بن معتر حاکم نیشابور (عمید نیشابور) (۱) بنا کردند و این ساختمان دوم از فتنه ترکان غز در زمان سلطان سنجر سلجوقی لطافات و صدمات و خرابی دیده و شرف الدین ابوطاهر بن سعد بن علی القمی که سی سال حاکم مرو بود و وزیر خسرو است بتعمیر حرم و نصب کاشیهای از راه حرم همت گماشت و این بنا را که سومین بنا در عهد تولی پسر چنگیز خراب کرده اند و برای چهارمین بار بقعه منوره تجدید بنا شده و تاریخ بنای اخیر و بانی آن معلوم نیست برخی حدس میزنند که شاید در عهد سلطان محمد الحائمی که از سلسله سلاطین مغول است بنای چهارم را ساخته باشد و این بنا مرمت ها و تعمیراتی در قرون مختلفه دیده تا بحال پابرجاست و اهم تعمیرات بقعه مطهره در زمان سلیمان صفوی اقدام شده است.

و سبب آن زلزله سال ۱۰۸۴ قمری مشهد است که در این زلزله تمام عمارت آستان قدس و مسجد گوهرشاد و سایر ابنیه مهمه این شهر خرابیها دیده و شکافها برداشته است و بامر شاه سلیمان صفوی و بدست یاری شاه شجاع بنای اصفهانی مرمت گردیده و کیفیت و شرح این تعمیر در داخل دارالسیاده آستان قدس در بالای دری که از دارالسیاده بدارالحفاظ میروی بر روی صفحات برنج مطلقا ذکر گردیده و همچنین در ایوان شمالی مسجد گوهرشاد در دو طرف پایه ایوان مذکور اشعاری حاکی از این تعمیر نوشته شده که مشهود عموم است .

حرم منور حضرت ثامن الحجج علیه السلام مربع تقریبی ده ذرع است باین توضیح که هر يك از اضلاع این مربع با یکدیگر اختلاف مختصری دارد و اصل بنا در نوبت اول باچینه و باصلاح مشهد با دای ساخته شده و پهنا و ضخیم دیوار حرم قریب سه متر است ولیکن در تجدید بناهای دیگر روی باقیمانده دیوار چینه را بهمان پهنا و کلفتی با آجر بنا کرده اند و اکنون قواعد گنبد مطهر بقعه منوره روی دیواری است که قسمت متصل بزمین آن چینه است و قسمت فوقانی با آجر بنا شده آنچه از دیوار چینه تا بحال باقی مانده از روی زمین تا دو متر میباشد .

در تعمیراتی که اخیرا در ضلع حرم بعمل آمده مسلم گردیده که در ابتدای امر داخله حرم محترم هیچگونه تزیینی نداشته و آن مقدار حرم را که با آجر ساخته اند زمانی بند کشنی شده بوده یعنی روی ملاط بین دو آجر را با آهک بند کشی کرده بوده اند سپس در موقعی

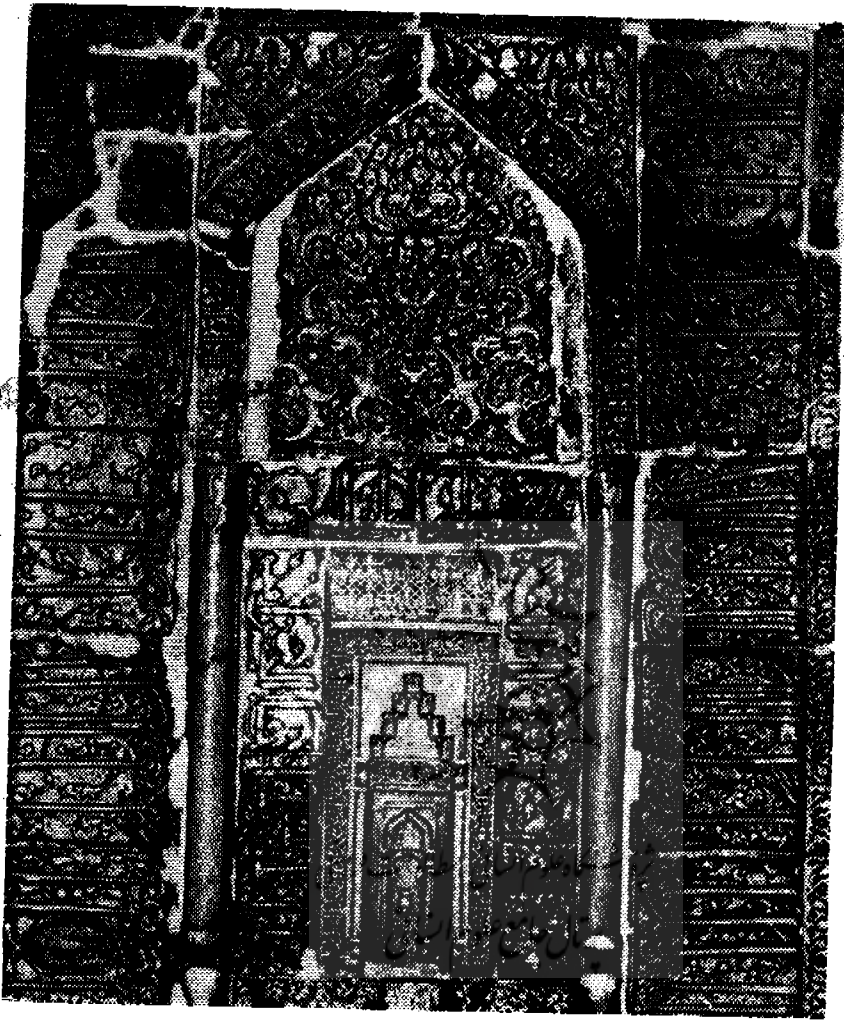
۱ - در موقع تجدید بنای حرم و قبه منوره بدست سوری بن معتر نیشابور حاکم نشین خراسان و طوس از توابع نیشابور بود



نمونه‌ای از کاشیهای برجسته دوره سلجوقی در حرم مطهر

که عهد آن بر ما مجهول است روی همان بندکشی را روحالی کرده و روی گچ را نقاشی و رنگ آمیزی بسیار معمولی کرده اند در روی گچ مالی نوبت اول یکورقه گچ جدید دیده میشود که شاید مربوط بدوره آل بویه باشد نقاشی روی گچ دوم دقیق‌تر و بهتر از نقاشی نوبت اول بوده و باز برای دفعه سوم دیوارهای بقعه مبارکه که گچ کاری و نقاشی بسیار ظریف و لطیفی با لاجورد و طلا و شنگرف و زنگار داشته که محتمل است این عمل متعلق بدوره صفویه باشد و این نقاشی عالی قرن‌ها در حرم مطهر باقی بوده و نادرشاه افشار در سال ۱۱۵۵ قمری نقاشی و تذهیب حرم را تجدید کرده و موید این بیان عبارت پیشانی در پیش روی مبارک است که در سه سطر این عبارت دیده میشود (لقد تشرف بتذهیب روضة الرضویه التي یتمنی العرش امر النیابة وارواح القدس تخدم جنابه السلطان نادر الافشار رحمہ اللہ الملک الغفار. سنہ هزار و صد و پنجاه و پنج).

و این نقاشی طلا و لاجورد و شنگرف و زنگار که در غالب قصور صفویه معمول بوده در روضه رضویه هم بهمان وضع نگهداری میشده تا در عهد سلسله قاجاریه که غالب رجال وقت بآئینه کاری تمایل بسیار اظهار می داشته اند در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و در تولیت



محراب زیبای حرم مطهر که از کاشیهای نفیس
مانند ساخته شده است.

میرزا محمدحسین عضدالملک در سال ۱۲۷۵ قمری هجری روی نقاشیهای نفیس و ظریف حرم را با کمال بی‌انصافی کج مالیده و آئینه‌کاری کرده اند موید این مطلب عبارت برنجی است که در بالای در پائین‌سای بقعه متبرکه بافتخار اقدام‌کننده نوشته شده است و آن عبارت چنین است (قد زینت هذه الروضة الرضوية في ايام تولية عضدالملک الدولة العلية ميرزا محمد حسين حسینی ۱۲۷۵ ثم بمرور الاعوام ظهر عليها الانداس فامر السلطان بن السلطان و خاقان ناصر الدين شاه قاجار خلد الله ملكه بالترئين بالزجاجة والبلور المضيئ نور علی نور) پس از آئینه‌کاری داخله حرم مطهر سایر بیوتات دارالسیاده و دارالحفاظ و توحید

خاکسپار الیطه و سایر بیوت آستانه رضوی آئینه کاری شده که ذکر آنها در اینجا مورد

نداشته اند.
وضع داخله حرم مطهر اکنون چنین است که تمام ازاره دوره حرم با کاشی‌های
مسدس بسیار عالی که غالباً در زمان سلطان سنجر ساخته شده و معروف بکاشیهای سنجری
است تزئین یافته و عبارات مختلفی از احادیث و کلمات قصار بر روی آنها نوشته شده که
ذکر تمام آنها بدرازا کند هر که خواهد بجلد دوم مطلع الشمس مراجعه فرماید و در بالای
ازاره مذکور کتبه‌ایست با خطوط برجسته‌ثلث بر روی کاشی بسیار ممتاز شبیه به چینی و

آیاتی از سوره فتح و هل آتی را نوشته اند
و چون کاشیهای ازاره و کتیبه‌های داخله بقعه منوره
مکرر در مکرر بتعمیر احتیاج پیدا کرده بواسطه
عدم مراقبت در ربط عبارات غالباً خستهای
کهنه و قطعات کتیبه پس و پیش نصب شده لذا
آیات مبارکه یا عبارات دیگر مرتب و منظم و
بتوالی یکدیگر نیست و بر روی کاشی مذکور سه
تاریخ دیده میشود که قدیمی‌تر آن ۵۱۲ و
سپس ۶۱۲ و آخرین تاریخ ۷۶۰ هجری قمری
میباشد در خارج در پیشروی مبارک که از
دارالحفاظ روبه شمال بداخل بقعه متبرکه مشرف
میشویم کتیبه بسیار زیبایی با خط ثلث برجسته
و در کمال نفاست موجود است که تاریخ اتمام



نمونه‌ای از کاشیهای سنجری داخل حرم مطهر

آن اثنی عشر و ستمائنه میباشد و غالب خستهای کتیبه روی ازاره داخله حرم نیز از این نوع
کاشی است لذا با احتمال قوی کاشی کتیبه‌خارج در پیشرو و کاشی کتیبه‌روی ازاره داخله در یک
موقع تهیه شده که همان سال ۶۱۲ مذکور در روی کاشیهای داخله بقعه است در بالای کتیبه
خط ثلث داخله حرم چهار حدیث و شعر بر روی سنگ مرمر بطور برجسته با خط نستعلیق
بسیار زیبا نوشته و نصب شده که شعر از حسین حسینی دبیرالملک فراهانی تولیت آستانه و خط
از میرزا حسینقلی خوشنویس مازندرانی و تاریخ آن ۱۲۸۷ هجری قمری است و خط
نستعلیق اشعار از لحاظ هنری بدرجات بهتر از شعر دبیرالملک است در ضلع جنوبی بقعه و

پیشروی مبارك نماى دو محراب در صفحه غربى حرم مطهر در طرف بالاسر مبارك نماى يك محراب ديگر با كاشيهای بسيار نفيسى از نوع كاشيهای كتيبدخارج درپيشرو نمايان است كه بخط كوفى و ثلث برك لاچوردى و زمينه سفيد آيات و احاديث متناسب با محراب و نماز بطور برجسته نوشته شده كه از ذكر آنها خوددارى ميشود در كمربند چهار ديوار بقعه متبركه در عهد صفويه سوره مبارك كه جمعه بخط ثلث كه بسيار عالى است بر روى آئينه نوشته و نصب كردند خط از عليرضا عباسى خطاط معروف زمان شاه عباس صفوى است و خطى بسيار خوش و ممتاز است بقيه تزيينات داخله حرم آئينه كاري است كه عضدالمملك در ۱۲۷۵ تزيين كرده و مراتب در صفحات قبل مذكور شد.

در پايان اين مقال چند نکته از وضعيت بقعه متبركه را براى مزيد اطلاع خوانندگان معروض ميدارم اول اينكه چنين بنظر ميرسد كه در اقدام سيكتيكن بخرايى حرم مطهر يا غزهاي تركمان در زمان سلطان سنجر يا مغولها در يورش تولى خان در هيچ يك از اين وقعات خرايى قسمى نبوده كه اساس بناى بقعه را از بين ببرد و بعبارت ديگر بناى حرم را بكلى ريشه كن سازد بلكه حدى نزديك بيقين اينست كه در خرايى هاى مذكور قسمتهای فوقانى بنا را درهم كوبيده و حوصله خرايى تمام ساختمان را نداشته اند لذا قسمتهای تحتمانى از ديوارهاى بقعه از خرايى مصون مانده و جهات مندرجه در ذيل شايد مويد اين نظر باشد.

ديوار حرم مطهر تا ارتفاع تقريبي دو متر از چينه است و اين قديمترين اثر از بقعه است كه مامون براى قبر پدرش ساخته تاكنون اين مقدار ديوار چينه باقى و موجود است بعد از دو متر ديوار چينه هاى مذكور بقيه بنا را با آجر ساخته اند و احتمال قوى ميرود كه در اين قسمت ديوار آجری از آثار سوری بن معتز عميد خراسان ميباشد كه بامر سلطان محمود غزنوى اقدام به تجديد بنا كرده است ميدانيم كه غزهاي تركمان در عهد سلطان سنجر بر خراسان و نيشابور غلبه يافته و خرايى زيادى بدست آنها در تمام خراسان پديد آمد مع الوصف در داخله بقعه مبارك كه كاشى بتاريخ ۵۱۲ هجرى قمرى هنوز بجا مانده است و اين تاريخ قبل از طغيان تركمانان غز ميباشد .

در يورش تولى پسر چنگيز نيز بناى حرم مطهر صدمه و خرايى بهم رسانيد مع ذلك در داخله و در خارج در پيش روى مبارك (ضلع جنوبى حرم) تاريخ اثنى عشر و ست مائه بر روى كاشى موجود است و بخاطر داريم كه لشكر مغول در سال ۶۱۸ تمام خراسان را صدمه رسانيده و قتل عام نيشابور و خرايى و تسطیح شهر مذكور و زراعت بر روى زمين خرابه هاى نيشابور در اين سال بوده مع الوصف كاشيكارى بسال ۶۱۲ موجود شش سال قبل از خرايى ها

و قتل عام مذکور میاشد .

قاضی شمس‌الدین بن بطوطه طنجی سیاح معروف که در سال ۷۳۴ قمری هجری منزار متبرک حضرت را دیده چنین مینویسد :

«والمشهد المکرم علیه قبة عظيمة فی داخل زاوية ویجاور هامدرسة ومسجد وجميعها ملیح البناء مصنوع الخيطان بالقاشانی و علی القبر دکانة خشب ملیسة بصفايح الفضة و علیه قنادیل فضة معلقة و عتبة باب القبة فضة و علی بابها ستر حریر مذهب و هی مبسوطة بانواع البسط و ازاء هذا القبر هارون الرشید».

شرح فوق ابن بطوطه در سال ۷۳۴ بقعه معتبر که را زیارت کرده و در جنب حرم مدرسه و مسجدی را معرفی میکند که از مدرسه مذکور اکنون اثری باقی نمانده و معلوم نیست در کدام طرف حرم و باچه ضلعی مجاورت داشته ولیکن مسجدی را که ابن بطوطه ذکر کرده شاید مسجد کوچکی باشد که در ضلع غربی بقعه منوره در بالاسر مبارک واقع میباشد و معروف است بمسجد بالاسر و بنای این مسجد بتصریح بیهقی از ابوالحسن دبیر است و این دبیر در عهد غزنویان زندگی کرده و محتمل است عمر بنای مسجد مذکور با تجدید بنای بقعه متبرک که بمباشرت سوری بن معتز عمید خراسان معاصر باشد و ابن بطوطه عتبه در ورودی حرم مطهر و همچنین صندوق چوبی (ضریح) روی مرقدمنور امام را باصفحات نقره مزین دیده و قندیلهای نقره در آنجا آویخته و دیوار حرم کاشی داشته و پرده در حرم زربفت و نفیس بوده است.

عبدالحمید مولوی

نامه آستان قدس

شماره بیستم نوروز ۱۳۴۴ - ذی قعدة ۱۳۸۴ مارس ۱۹۶۵

مؤسس - محمد مهران

تحت نظر هیئت تحریریه

مدیر: فخرالدین حجازی

جای اداره: مشهد صحن مطهر جدید تلفن ۴۸۲۲

۲۰۰ ریال

اشترک سالیانه

۲۵ ریال

تکفروشی

توسعه حرم مطهر

۱ - وضع موجود

۱ - حرم مبارك حضرت رضا عليه آلاف التحية والثناء از چهار دیوار اصلی تشکیل میشود که گنبد مطهر روی آن قرار گرفته و ضخامت این چهار دیوار که از آجر قزاقی و ملات و گچ ساخته شده است در حدود ۲۸۰ متر میباشد.

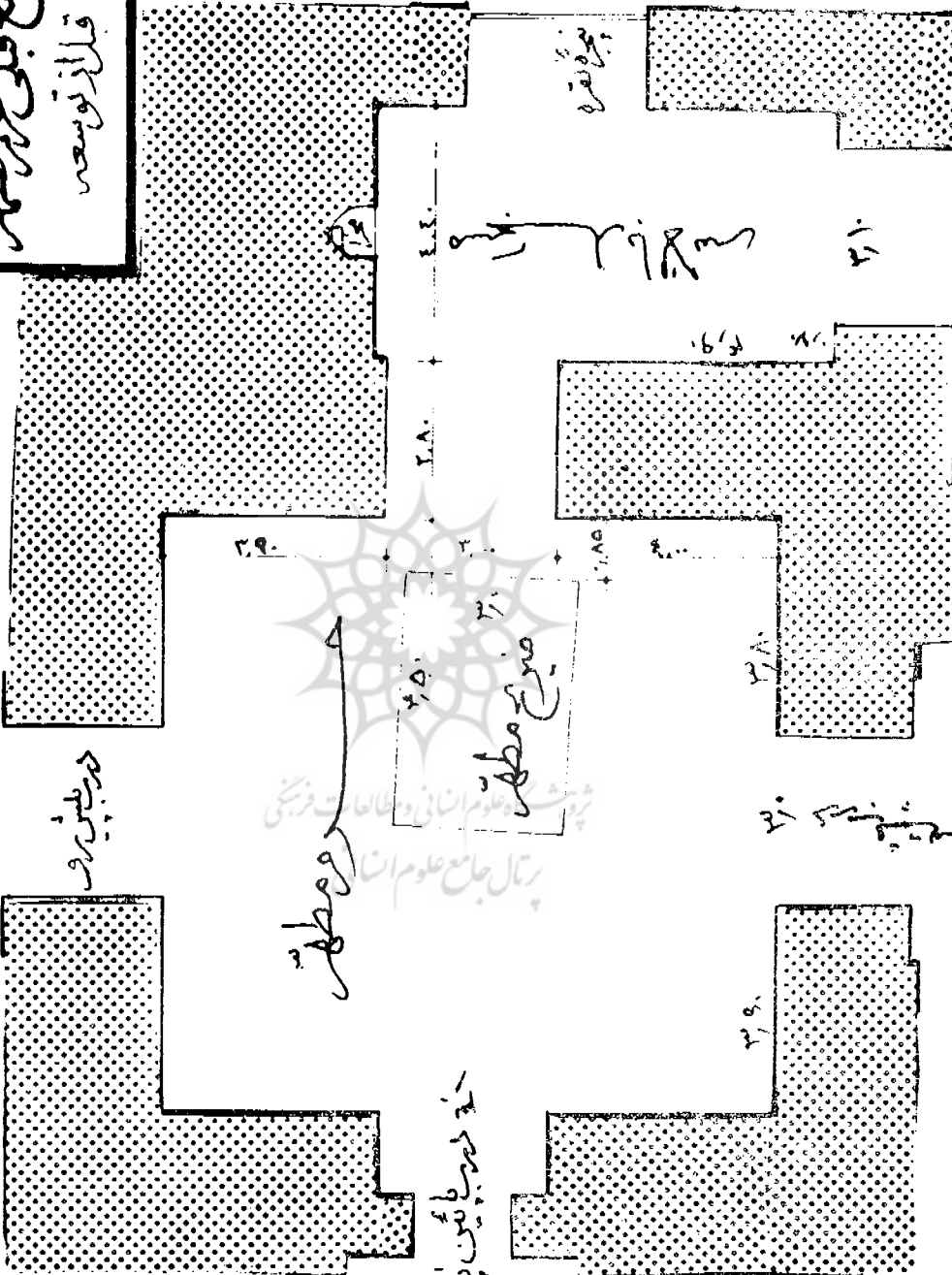
ضریح مطهر در فاصله ۸۵ سانتیمتر از دیوار غربی با بعد ۵۰×۳۷ متر در وسط دو ضلع شمالی و جنوبی قرار گرفته و فاصله ضریح در قسمت پیش رو و پشت سر از دیوار در حدود ۳۳۰ متر میباشد و در قسمت پائین پا در حدود ۲۰×۵ متر از دیوار شرقی فاصله دارد و بدین ترتیب تنگنای مشکلی در بالای سر مبارك حضرت بین ضریح و دیوار قرار داشت که ایجاد فشار و زحمت فراوانی برای زوار مینمود و در وسط دیوار غربی (بالای سر مبارك) دهانه‌ای بعرض ۲۸۰ متر قرار داشت که حرم را به مسجد بالاسر متصل مینمود.

۲ - جزئیات طرح :

برای توسعه دادن تنگنای بالای سر مبارك یگانه راه برداشتن دیوار ضلع غربی بقعه بود و برداشتن این دیوار کار بسیار دشوار بود چون یکچهارم بار گنبد مطهر روی آن قرار دارد که در برداشتن دیوار لازم بود پل محکم و اساسی قرار گیرد که بتواند فشار گنبد را بجای دیوار تحمل نماید و کار گذاردن چنین پلی مستلزم پیشبینیهای زیادی بود، که میبایست از نظر فنی صد درصد اطمینان بخش باشد که کوچکترین خدشهای به وضع کلی بارگاه وارد نیاید، از طرف دیگر چون امکان پذیر نبود حرم مطهر قرق گردد و از رفت و آمد زوار جلوگیری شود بنابراین لازم بود پیشبینیهای استحکامی سابق الذکر طوری تنظیم گردد که با رفت و آمد زوار منافاتی نداشته باشد لذا طرح این چنین تنظیم شد ۱ - در دو انتهای

وضع قبل حرم مطهر

قبل از توسعه



کتابخانه

بعلز نو سعه

بعلز نو سعه

بعلز نو سعه

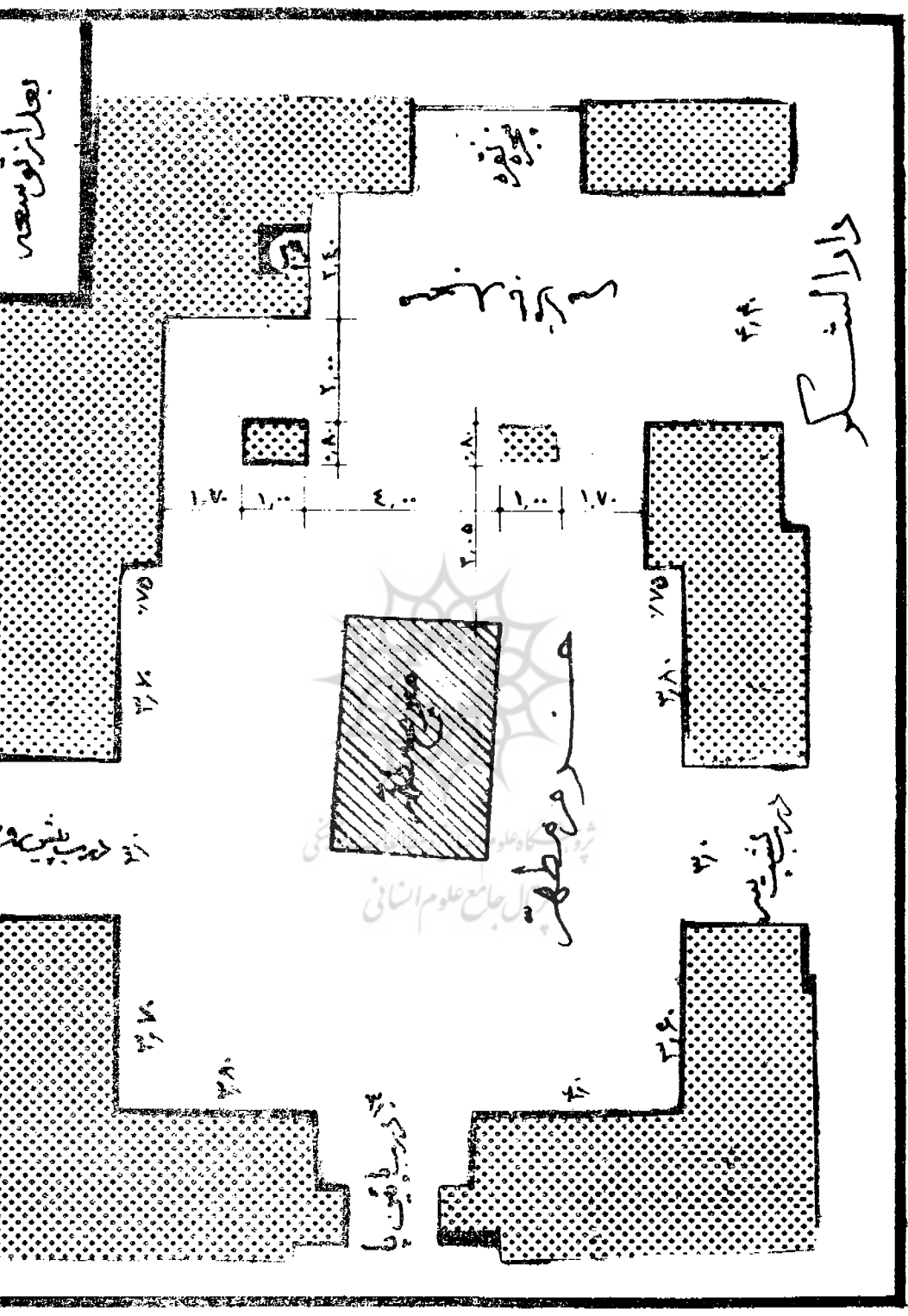
بعلز نو سعه

بعلز نو سعه

بعلز نو سعه

بعلز نو سعه

بعلز نو سعه



دیوار دوستون اصلی از عمق کافی با بتون ساخته شود که بتواند بار پل سرتاسری زیر دیوار روی آن قرار گیرد.

ب - ساختن دوستون کوچک در وسط که با دارا بودن بازوهای اضافی بتواند کار شمع را جهت نگهداری بار در اثنای اجرای عملیات ساختمانی انجام دهد.

ج - ساختن پل بتون آرمه بعرض دیوار در طول ضلع غربی که بتواند فشار گنبد را تحمل نماید و بار آنرا به دو ستون طرفین منتقل نماید، و در این صورت دیواری را که زیر پل قرر دارد میتوان برداشت چون از نظر فنی وجود آن زائد میشود و بنا بمراتب سابق الذکر و پس از انجام عملیات ساختمانی دارالشکر، که در پشت مسجد بالاسر احداث گردید مشاهده شد سقف مسجد بالاسر پوشیده شده است و قطعات چوبی و فلزی که مقرنس را نگهداری مینمود بکلی فاسد گردیده و بیم ریزش سقف وجود دارد، بنابراین مقام نیابت تولیت عظمی مقرر داشتند سقف نامبرده تجدید بنا شود و پس از برداشتن سقف مزبور فرصت را مناسب دید برای برداشتن دیوار اقدام شود لذا پس از کسب اجازه از اعلیحضرت همایونی مقام منبع تولیت عظمی عملیات ساختمانی بشرح زیر در اوایل تیرماه ۱۳۴۰ شروع گردید.

۱ - ابتدا در وسط دیوار غربی بقعه و در دو طرف دهانه بین حرم و مسجد بالاسر بفاصله ۴ متر از یکدیگر شروع بشکافتن عمودی دیوار موجود نموده و با بعد ۸۰×۸۰ سانتیمتر در داخل دیوار نقب زده شد و این نقب تا عمق ۳۷۵ متر از کف فعلی حرم پائین تر ادامه داده شد و در آن عمق شروع بتوسعه ابعاد حفاری گردید تا آنکه ستونها بتواند دارای پایه بزرگتر باشد و مقداری از بار گنبد را تحمل نماید (این حفاری بمنظور ساختن ستونهای کوچک بود که در اثنای انجام عملیات کار شمع را انجام دهد).

و سپس شروع به نصب آهنهای بتون نموده و بعد از آن از بام حرم بتون ریزی انجام گردید. در وسط این دوستون در دو مرحله بازوهای اضافی از جنس بتون آرمه تعبیه گردید که بعنوان کمک برای نگهداری دیوار باشد.

ضمناً ناگفته نماند تمام این عملیات چه حفاری چه بتون ریزی طوری انجام گردید که هیچ کس نمیتوانست از داخل حرم آنرا مشاهده نماید البته خود این کار عمل بسیار شاق و مشکلی بود چون در عمقی در حدود ۱۲ متر کار در فضای ۱×۸۰ مشغول شکافتن دیوار آجری بودند و با وسائل اولیه مصالح حاصله از تخریب را به خارج منتقل مینمودند.

پس از انجام عملیات ساختمانی دو ستون کوچک وسط مبادرت بنقب زدن دوستون اصلی در دو گوشه شمال غربی و جنوب غربی بعرض ۲۸۰ متر (عرض دیوار) شد و مانند دوستون

فرعی عملیات ساختمانی از نظر حفاری و توسعه فضای پایه انجام گردید و برای دوستونی که بابعاد ۲۸۰×۸۰ متر محل آن حفاری شده بود محل پایه ای بابعاد ۱۸۰×۵۰ متر نیز حفاری گردید و سپس آهنهای میل گرد آن بسته شده و بتون ریزی آن در اواخر شهریور ماه با تمام رسید بنابراین چهار ستون بتون آرمه در داخل دیوار بوجود آمد که دو عدد طرفین آن ستونهای اصلی و دو ستون وسط آن ستونهای فرعی میباشد. و بعد از آن کاراساسی و مشکل باقیمانده بود که میبایست انجام شود و این عمل اساسی عبارت از شکافتن سرتاسر طول و عرض دیوار موجود بود که بجای آجر بتون ریزی شود و پل اصلی بوجود آید.

جهت انجام این قسمت از کار با در نظر گرفتن پیش بینیهای لازم برای جلوگیری از فشار گنبد مقرر گردید این پل از قسمت عرضی در سه قسمت تقسیم گردد که در هر مرحله که قسمتی از آن شکافته میگردد و بتون ریزی بعمل میآید دوسوم دیگر دیوار قائم بذات باشد و اضافه بر شمع بتونی موجود بار اصلی گنبد را نگهداری نماید ابتدا قسمت داخلی (طرف مسجد) حفاری گردید و با سقف بالای سربارک بتون ریزی شد سپس برای قسمت وسط از درگاه کوچک که تقریباً هم سطح بام حرم بود بعرض یک متر در دو طرف و وسط درگاه نقب افقی بابعاد ۲۵۰×۱ زده شد تا آنکه از روی دوستون اصلی رد گردید و بانتهای دیوار رسید. بعد از آن و پس از نصب آهن بتون ریزی آن انجام گردید. در این حال اضافه بر چهار ستون بتونی که دو دیوار بوجود آمده بود در حدود دوسوم پل اصلی نیز ساخته شده بود و تا این تاریخ هیچ اثری از انجام این عملیات ساختمانی از داخل حرم مطهر مشاهده نمیشد تا آنکه مجبور به ساختمان قسمت سوم پل شد. این قسمت تا انتهای دیوار (یعنی داخل حرم) قرار میگرفت سپس ناگزیر به برداشتن دیوار بود که در شب ۴۳۹۹ بعد از بستن درهای حرم مطهر داربست لازم جلوی دیوار بسته شد و پس از برداشتن در مرصع و نصب آن در دیوار مقابل و همچنین برداشتن بقیه جواهرات و سپردن آنها بانظر کمیسیون به اداره خزانه دیوار با تخته و پارچه سبز پوشیده گردید و محل قسمت سوم بتدریج و با نصب شمعهای فلزی متعدد بین قسمت بالا و پائین دیوار با دقت فراوان و نظارت شبانه روزی مداوم محل پل شکافته گردید و در این حالت هیچگونه بیم وهراسی از بار گنبد دیگر وجود نداشت چون اضافه بر اینکه دو قسمت دیوار بسته شده بود و دو ستون فرعی وسط با بازوهای اضافی خود مانند شمعی بار گنبد را تحمل مینمود معهداً با فاصله های نزدیک بهم شمعهای فلزی قرار داشت که جنبه احتیاط کافی را داشته باشد ولی ناگفته نماند که از وضع مقرنس زیر گنبد که قطعات اتصالی آن پوشیده بود و پایه آن آزاد بود نگرانی وجود داشته که آنها را با

اجرای تدارکات لازم از تکان خوردن آن جلوگیری بعمل آمده بود همچنین باید دانست که با این وضع زوار در زیارت و گردش خوددور ضریح مطهر ادامه میدادند و نیروی اساسی و اصلی ای که روحیه ما را متزلزل نمیساخت ایمان قاطع بنگهداری ساختمان از طرف صاحب بقعه بود.

و پس از بتون ریزی قسمت سوم پل و گذشتن زمانی کافی برای گیرندگی آن برداشتن دیوار زیر پل از همان بالا شروع گردید و جهت بوجود آوردن تناسب و هماهنگی در این قسمت یا قسمتهای باقی ساختمان طاقیضی در زیر پل با آجر و ملات قاب سیمان ساخته گردید و توام با برداشتن دیوار عملیات بنائی انجام شد در قسمت پائین کف حرم دقت بیشتری مبذول گردید تا آنکه کاشیهای قدیمی محفوظ بماند و با وضع خود برداشته شود تا آنکه مجددا در بنا نصب گردد و بالاخره در شب نهم شعبان سنه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار هجری قمری توسط نیابت تولیت عظمای آستان قدس رضوی و استاندار خراسان تیمسار سپهد امیر عزیزی از این شاهکار معماری و فنی پرده برداشته شد و زوار توانستند از تنگنای سابق رهائی یابند و وضع فعلی بشرح زیر بوجود آمد.

وضع فعلی حرم مطهر را بدین ترتیب میتوان وصف نمود در قسمت بالای سرمبارک بین مسجد بالاسر و حرم فضائی باز بوجود آمده که فقط در وسط دو ستون ۰.۸۰×۱ متر موجود است که حد اقل فاصله آنها از ضریح مطهر ۳ متر میباشد و در حدود پنجاه درصد از دیوار جنوبی مسجد بالاسر تا امتداد ضلع جنوبی حرم برداشته شده و فضائی بابعاد ۲×۲۷.۰ بوجود آمده که برای رفت و آمد و محل زیارت زوار کمک شایانی مینماید و در اجرای این عملیات مخراب معرق گرانبهائی که موجود بود یکپارچه و بدون بوجود آمدن هیچگونه آسیبی از محل خود برداشته شده در گوشه همان دیوار و با تورفتگی در حدود ۶۰ سانتیمتر مجددا نصب گردید. همچنین عملیات تزییناتی و روکاری این قسمتها پی در پی در دست اجرا میباشد.

